



ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در صحن مجلس در جریان بررسی صلاحیت علی مدنی‌زاده، وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی ضمن محکومیت اقدامات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در به شهادت رساندن تعدادی از فرماندهان نظامی و دانشمندان و مردم ایران گفت: «دشمن نمی‌تواند ما و ملت را با زدن، کشتن و ترور کردن، از صحنه خارج کند.» وی در ادامه افزود: «ما متجاوز نیستیم، ما امروز بیشتر از هر زمان دیگری به وحدت و انسجام نیاز داریم و همه مردم ایران باید دست به دست هم دهند و در برابر تجاوزی که شکل گرفته یا قدرت بایستند؛ هر اختلاف گره و مشکلی که وجود داشته امروز باید همه را کنار گذاشت و با وحدت و انسجام در مقابل این تجاوز جنایتکار نسل کش یا قدرت ایستاد.» رئیس‌جمهوری تأکید کرد: «باید با مردم بر اساس حق رفتار کرد، آنچه که امروز ایران و کشور مطالبه می‌کند حق قانونی و مسلمی است که بر اساس تمامی قوانین بین‌المللی می‌توانیم داشته باشیم. بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری این ما نبودیم که میدان را از مذاکره و گفت‌وگو خالی کردیم، بلکه ما رفتم و مذاکره غیرمستقیم را آغاز کردیم؛ ما در حال مذاکره بودیم و بر اساس سیاست‌های مقام معظم رهبری ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و این باور و اعتقاد ما است. اگر هر کسی در این کشور خلاف آنچه که رهبری اعلام کردند موضع‌گیری کند و حرف بزند، هیچ جایگاهی در سیاست جمهوری اسلامی ندارد؛ در نتیجه آنچه که رهبری اعلام کردند سیاست مسلم نظام و جمهوری اسلامی است. در این شرایط آنها نشستند و می‌گویند که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند در حالی که ما اصلاً قصد نداریم که به این سلاح دست پیدا کنیم.» پزشکیان در ادامه تصریح کرد: «ما حق داریم که از انرژی هسته‌ای و تحقیقاتی که به نفع این جامعه است بهره ببریم و هیچ کس حق ندارد این حق را از نظام و جمهوری اسلامی بگیرد؛ ما برای تحقق این حق با قدرت ایستاده‌ایم و از هیچ قدرتی در رابطه با احقاق حق خود واهمه نداریم. ما با همه کشورهای اسلامی دست برادری دراز کردیم؛ چراکه همه برادران ما هستند؛ امروز اکثر آنها و شاید بتوان گفت همه آنها در کنار ما قرار گرفتند و با ما هستند. آمریکا در حال زورگیری است و بر خلاف قواعد بین‌المللی اجازه می‌دهد که اسرائیل به کشور ما تجاوز و حمله کند؛ ما به دنبال جنگ نبوده‌ایم و آغازگر جنگ نبوده‌ایم. این ما نبوده‌ایم که فرماندهان و دانشمندان مملکت را ترور کردیم، بلکه این تروریست‌ها بودند که این کار را کردند؛ مگر یک دانشمند چه کنایه کرده است که یک نفر از آن طرف دنیا بیاید و خانواده او و خودش را نابود کند و از بین ببرد؟»



امنیت مردم بر جسته‌ترین خط قرمز ماست

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، روزگذاشته‌طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه متناسب با اقتضائات روز، دستوراتی تخصصی را خطاب به مسئولان قضایی در سراسر کشور صادر کرد و از جمله خطاب به دادستانی کل و دادستان‌های سراسر کشور تأکید کرد که با همکاری کلیه ی نهادهای و دستگاه‌های امنیتی، راهبردها و تاکتیک‌های مبتنی بر تثبیت و تحکیم آرامش و امنیت مردم را عملیاتی سازند. رئیس‌قوه قضائیه در همین راستا گفت: «عناصر مخل امنیت و آرامش مردم، چه امنیت و آرامش فیزیکی و چه امنیت و آرامش روانی شهروندان، باید وفق قانون در نهایت دقت و سرعت، محاکمه و مجازات شوند؛ باید توجه داشت که محاکمه و مجازات به‌موقع عناصر مخل امنیت مردم، اثرات بازدارنده خواهد داشت و تعلل در این امر خطر، از بازدارندگی و اثرات مؤثر و نافع آن خواهد کاست.» رئیس‌عدلیه تأکید کرد: «امنیت مردم در همه احوالات و شرایط، بر جسته‌ترین خط قرمز ماست؛ اهمیت و اعتبار این مقوله در شرایط فعلی، مضاعف و دوچندان است؛ اشرار و همدستان، آنها توجه داشته باشند که در راه تثبیت و تحکیم امنیت مردم، مصرانه و مجاهدانه‌پای می‌فشاریم و مخلان امنیت مردم را با قاطعیت و وفق موازین قانونی، با مجازاتی سخت مواجه می‌سازیم.»



تکس: آرش خاموشی، هم‌نشین

واجب‌تر از نان شب درباره‌مدلی و همبستگی طیف‌های سیاسی در روزهای جنگ

راه برداشته شده (مانند عدم اجرایی شدن قانون عفاف و حجاب یا رفع حصر مهدی کروبی) تا نوعی آشتی بین دولت و ملت ایجاد شود اما در این مسیر، به‌نظر می‌رسد سیستم‌سیاسی باید گام‌های بلندتر را بردارد تا تمایل خود را برای بازسازی آنچه ویران شده، نشان دهد. البته این گام برداشتن قطعاً حرف و حدیث‌هایی را در میان خواهد داشت، شاید عده‌ای بگویند که سیستم از روی اجبار تغییر سیاست داده است و یا جماعت دیگری مشمیر برای تصمیم‌گیران بکشند که نباید چنین کنند، (کما اینکه در باره عدم اجرای قانون عفاف و حجاب چنین کردند) اما حقیقت امر این است که همبستگی و همدلی در هر نوع و شکل آن، ارزشی بالاتر و والاتر از هر حرف و حدیث و تهمتیه را دارد. گام برداشتن در این مسیر هم چندان سخت نیست؛ مثلاً کافی است همین بساط پیامک‌های حجاب جمع شود و یا اینکه شرایط برای بازگشت چهره‌های مورد اعتماد جامعه فراهم شود. قطعاً چهره‌هایی مانند مصطفی تاج‌زاده و سعید مدنی می‌توانند نقش پررنگی در این مسیر ایفا کنند.

ماجرای سسوم، بحث پیرامون همه آنهایی است که خارج از این مدار قرار دارند. این جماعت دو دسته‌اند؛ آنها که سکوت کرده و در گوشه‌ای به تماشا نشستند و یک سمت هستند اما در سمت دیگر، جماعتی قرار دارند که نه تنها سکوت نکرده‌اند، بلکه به حمایت از متجاوز هم پرداخته‌اند. در دوران جنگ ۸ سال با عراق هم اینها بوده‌اند. لیست اسامی را مردم به خوبی می‌شناسند. نصیحت کردن آنها هم بی‌فایده است، آنها تصمیم گرفته‌اند که بی‌وطن باشند. جامعه و افکار عمومی هم تکلیف‌شان با این جماعت مشخص است، نمونه تاریخی هم فراهم است؛ حتی آنها هم که جنگ را ندیده‌اند، از مجاهدین خلق تنفر دارند. این جماعت هم به لیست آنها اضافه خواهند شد.

اولین ماجرا همان همبستگی و همدلی بین مردم است؛ ماجرای که ایرانی‌ها به طور معمول نشان داده‌اند آن را خوب بلد هستند و در هنگامه سختی، یاور هم بوده‌اند. اما وجه دیگر این ماجرا، تنها به چیزی که در بین مردم می‌گذرد، خلاصه نخواهد شد. سخن از نخبگان جامعه است. چه بسا نخبگان گاهی اوقات نقش مهمی را در افزایش میزان همبستگی و همدلی داشته باشند. وقتی که سخن از نخبه به میان می‌آید، صرفاً افرادی نیست که برتری خاصی در موضوعی داشته باشند. نخبه بودن همه افرادی را شامل می‌شود که با هر روشی در قسمتی شاخص‌تر از سایرین هستند. عنوان و موضوعش فرقی نمی‌کند؛ این موضوع می‌تواند از ورزش گرفته تا هنر و علم و صنعت را شامل شود. مهم یک عامل است، اینکه بخشی از اجتماع به آن فرد یا گروه ویژه‌ای داشته باشند. در این میان، سیاست و سیاست‌یون می‌توانند یک گزاره مهم باشند. آنچه در این پنج روز مشاهده شده، تلاشی است که احزاب و گروه‌های مختلف برای افزایش همبستگی و همدلی انجام داده‌اند و در حال انجام آن هستند. به عبارتی شاید از معدود ایامی باشد که برای اکثر سیاست‌یون، جناح و تفکر سیاسی ارزش و اهمیتی ندارد.

دومین محور همبستگی و همدلی بین ملت و دولت است. اگر نگاهی به ایام جنگ ایران و عراق داشته باشیم، این نوع از همبستگی به اندازه همبستگی میان مردم به راحتی نمایش داده می‌شد و مردم نظام سیاسی را برای خودشان می‌دانستند. اما وضعیت در ایام اخیر چگونه بوده است؟ آیا به همان میزان علاقه و اعتماد به سیستم سیاسی وجود دارد؟ نمی‌توان کتمان کرد که در سال‌های اخیر گسلی عمیق بین دولت و ملت در ایران ایجاد شده است؛ گسلی که در جریان انتخابات‌های گذشته، خود را به خوبی نشان داده بود. هر چند در یک سال اخیر گام‌هایی ولو کوتاه در این



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

روزهایی را پشت سر می‌گذاریم که برای مان غریبه نیست؛ شاید میلیون‌ها نفر تجربه زیست ۸ ساله در جنگ را نداشته‌اند اما انقدر از آن روزها تصویرسازی شده است که غایبان اجباری آن دوران هم درباره‌ی ایامی که ایران پشت سر گذاشت، چیزهایی را می‌دانند و شاید گاهی اوقات، خود را در میانه آن روزگار تصور کرده‌اند. و حالا این روزها، آن تصویرسازی‌ها عینیت یافته است. وقتی که درباره آن روزهای دشوار ایران، سخنی به میان می‌آمد؛ یک موضوع بیشتر از سایر موارد نمود پیدا می‌کرد؛ موضوعی که این روزها نیز باید مورد توجه قرار بگیرد و نمی‌توان و نباید آن را نادیده گرفت و اگر در آن ۸ سال وجود نداشت، بدون شک ایام سخت‌تر از آنچه که بود سپری می‌شد. سخن از همدلی و همبستگی است؛ عنصری که باید کوشید تقویت شود تا این روزهای سخت را پشت سر گذاشت؛ عنصری که در شرایط جنگی و برای مردمی که در آن وضعیت گرفتار شده‌اند، از نان شب واجب‌تر است. شاید نوع جنگی که این روزها در میانه آن قرار گرفته‌ایم، تفاوت‌های آشکاری با جنگ ۸ ساله با عراق داشته باشد و سلاح‌هایی که در این جنگ به کار برده می‌شود، شباهتی با آن ایام نداشته باشند، اما جنگ همیشه جنگ است و انسان همیشه انسان خواهد بود. جایی هم که انسان و دردهایش در میان باشد، نمی‌توان عنصر طلایی «همدلی و همبستگی» را از آن جدا کرد. وقتی که به آن ایام نگاه می‌کنیم و آنچه در این روزها گذشته توجه می‌کنیم، سه موضوع جلب توجه می‌کند:

آنها که سکوت کرده و در گوشه‌ای به تماشا نشسته‌اند
یک سمت هستند
اما در سمت دیگر، جماعتی قرار دارند که نه تنها سکوت نکرده‌اند، بلکه به حمایت از متجاوز هم پرداخته‌اند. در دوران جنگ ۸ سال با عراق هم اینها بوده‌اند.
لیست اسامی را مردم به خوبی می‌شناسند.
نصیحت کردن آنها هم بی‌فایده است، آنها تصمیم گرفته‌اند که بی‌وطن باشند

مهم‌ترین مأموریت



سعید نورمحمدی

قائم مقام حزب ندای ایرانیان

حمله مستقیم نظامی اسرائیل به خاک ایران، آغازگر دوره‌ای بحرانی و سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر کشور است. این حمله، فارغ از دامنه و شدت آن، فضای سیاسی، اجتماعی و روانی ایران را دستخوش تلاطم‌های جدی کرده است. در چنین وضعیتی، نقش نیروهای سیاسی مسئولیت‌پذیر بیش از همیشه بر جسته می‌شود. اصلاح‌طلبان، به‌عنوان جریانیه هم به نظام جمهوری اسلامی تعلقی دارند و هم با بخش بزرگی از بدنه ناراضی جامعه پیوند دارند، در موقعیتی استثنایی قرار دارند تا از افکار عمومی، انسجام اجتماعی و هویت ملی در برابر جنگ ترکیبی دشمن محافظت کنند. چارلز تیلی، جامعه‌شناس معروف در نظریه «نظم در شرایط بحرانی» معتقد است که در شرایط بحرانی، بقای نظم سیاسی و اجتماعی وابسته به کنشگران میانجی‌ای است که بتوانند شکاف‌ها را کاهش دهند و اعتماد عمومی را حفظ کنند. در شرایطی که ایران تنها در یک جنگ نظامی

بلکه بعضاً با موضع‌گیری‌های غیرعقلانی به ساخت روایت‌های جریانات وابسته به رژیم صهیونیستی کمک هم می‌کنند. استاد رسانه‌های وابسته به تیترو روزنامه‌هایی مانند کیهان، نمونه بارز این مسئله است. برای حفظ کشور، اصلاح‌طلبان باید نقش فعالانه‌تری در ساخت روایت‌ها ایفا کنند و تنها به انتشار بیانیه محدود نشوند. اگر این روزها نیروهای پرافتخار مسلح کشور از مرزهای جغرافیایی کشور دفاع می‌کنند، اصلاح‌طلبان باید بدون انتظار تأیید از هیچ نهادی به صورت آتش به اختیار وظیفه دفاع از مرزهای فکری جامعه در مقابل رسانه‌های برانداز و وابسته را فراهم آورند. مخالفان جمهوری اسلامی، اعم از گروه‌های تجزیه‌طلب، سلطنت‌طلب یا رسانه‌های وابسته به قدرت‌های خارجی، در تلاش هستند فضای عمومی را از انسجام ملی تهی کنند و اعتماد مردم به نهادهای کشور را تضعیف نمایند. اگر در چنین شرایطی اصلاح‌طلبان سکوت کنند یا منفعل باقی بمانند، عملاً میدان را برای تسلط این روایت‌های مخرب خالی گذاشته‌اند.

بیانیه شرم‌آوری که در روزهای گذشته علیه منافع ملی ایران و به نفع منافع رژیم صهیونیستی به امضای چند نفر، از جمله دو فرد مثلاً برنده جایزه صلح نوبل منتشر شد، نشان می‌دهد که در صورت انفعال اصلاح‌طلبان، برخی تلاش خواهند کرد که روایتی سراسر کذب از تجاوز رژیم صهیونیستی به وطن بسازند. اما این چتر حفاظتی چگونه باید شکل بگیرد؟ نخست، با تأکید بر «تضاد بنیادین» میان مردم ایران و دشمن خارجی. اصلاح‌طلبان باید با افکار عمومی سخن بگویند و مرز هرگونه جنگ طلبی و حمله خارجی را

قرار ندارد و جنگ روانی گسترده‌ای علیه افکار عمومی ایرانیان توسط شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای وابسته به رژیم صهیونیستی در جریان است، اصلاح‌طلبان وظیفه سنگینی را برای حفاظت از افکار عمومی و حفظ انسجام ملی کشور بر عهده دارند. اسرائیل با بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته در جنگ‌های شناختی، با بهره‌گیری گسترده از ابزارهای جنگ شناختی و به‌موازات حمله نظامی، یک عملیات روانی و رسانه‌ای تمام‌عیار علیه جامعه ایران با هدف بی‌ثبات‌سازی ذهنی جامعه ایران آغاز کرده است. در این نبرد رسانه‌ای، جریان‌های برانداز، گروه‌های تجزیه‌طلب و رسانه‌های وابسته به قدرت‌های خارجی، با بهره‌برداری از ترس، نااطمینانی و نارضایتی موجود، در حال تخریب پایه‌های روانی انسجام ملی هستند. در چنین شرایطی فضای رسانه‌ای داخلی و بین‌المللی، عرصه‌ای برای رقابت روایت‌ها می‌شود. نقش موثر در ساخت این روایت‌ها با هدف همراه کردن افکار عمومی داخل و خارج از کشور، برای حفظ انسجام ملی و جغرافیایی کشور اهمیت بسیار زیادی دارد.

تجربه نشان داده است رسانه‌هایی از قبیل صدواسیمیا و رسانه‌های وابسته و حامی جریانات اصولگرا نه تنها در ساخت روایت‌ها ناتوان هستند،